

پرده‌خانه

نگاهی به راپورت‌های شبانه دکتر مصدق

قدم‌زدن روی خط تاریخ



- نام: محمد مصدق
- نام پدر: هدایت‌الله

مذهب: خوب است از آقای دادستان بپرسید اما گمان می‌کنم شیعه.

شغل: نخست‌وزیر قانونی ایران»

این جمله‌ها فقط بخشی از دفاعیه دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی، حدود آبان و آذر سال ۱۳۳۲ شمسی؛ یعنی چندماه پس از کودتای ۲۸ مرداد نیست؛ دیالوگ مشترک معمای شاه و نمایش «راپورت‌های شبانه دکتر مصدق» است که این روزها در تالار وحدت از زبان بازیگر نقش دکتر مصدق در راپورت‌های شبانه است؛ بازی‌ای که به تصویر کشیده شده، میان ماه من تا ماه گردون است. هرچند نگاهم در تماشایخانه این هفته به تازه‌ترین اجرای اصغر خلیلی است، اما نمی‌توان به این نکته اشاره کرد که آنچه این دو تصویر مشترک را از هم متمایز می‌کند، بازی فرهاد آتیش در نقش دکتر مصدق در راپورت‌های شبانه است؛ بازی‌ای که باعث می‌شود برای تصویر دکتر مصدق روی صحنه گزینه‌ای دیگر فرض نشود؛ موضوعی که می‌تواند یکی از دلایلی باشد که در فرصت باقی‌مانده تا ۲۸ مرداد که احتمالاً آخرین اجرای این نمایش است، برای دیدنش به تالار وحدت رفت، البته در این فرصت شواهد کلمات نیز اشاره‌های کوتاه به این اجرا خواهند بود. پیش از بازکردن بحث اصلی باید این نکته را تاکید کنم که هرچند با نگاه یک علاقه‌مند به تاریخ معاصر قصد دارم نگاهی به این نمایش داشته باشم، اما روی این نکته با همه منتقدان تئاتر و درام مخالفتی ندارم که درام نباید نعل‌به‌نعل روایت تاریخی را در خود تکرار کند، باین همه، راپورت‌های شبانه دکتر مصدق یکی از معدود آثاری است که قصد دارد بر مسیر تاریخی قدم بزند و همین باعث می‌شود تا آن را با نگاه تاریخی نیز بررسی کرد.

برنگاه‌های تاریخی- به‌خصوص تاریخ معاصر- همیشه ایده‌های دراماتیک‌ی برای به‌صحنه‌آوردن با ساخت تکرار قابل درک خود دارند؛ آثاری که بیش‌ترشان قدم‌زدن روی خط تاریخ هستند؛ روایت‌هایی که گاه در پس و گاه در متن یک اثر واقع شده و سرنوشت شخصیت‌های اصلی را رقم می‌زنند. کودتای ۲۸ مرداد یکی از مهم‌ترین برنگاه‌های تاریخی ایران بوده است که در ۶۳ سال بارها در بستر ادبی، تصویری و نمایشی قرار گرفته و باعث خلق درام‌های متعددی شده است. در میان نمونه‌های نمایشی، بی‌تردید نمایش «دکتر نون»، به نویسندگی و کارگردانی حسین پاکدل که بر اساس رمان «دکتر نون زشت را بیشتر از مصدق دوست دارد» نوشته شده، اثری است که تنها فرصت دو اجرا روی صحنه را پیدا کرد. «شکاک»، نوشته نغمه تمینی و با کارگردانی کیومرث مرادی، هم روایت متفاوتی از کودتا را به‌خوبی به نمایش گذاشت. نکته درخور توجه در این آثار این‌ست بود که واقعه تاریخی در پس داستان اصلی قرار داشت و شخصیت‌های اصلی که از سوی نویسنده خلق شده‌اند، در مقابله با شخصیت‌های واقعی قرار می‌گیرند. از این حیث شاید نمایش راپورت‌های شبانه دکتر مصدق با محوریت شخصیت‌های واقعی روایتی تاریخی‌تر است چراکه هیچ‌کدام از شخصیت‌های آن ساخته و پرداخته ذهن نویسنده نبوده است و شخصیت‌ها واقعی هستند و آدرس‌های آشنایی در تاریخ دارند. نمایش روایت زندگی دکتر مصدق از ۲۲ مرداد ۱۳۲۱، یعنی روزی که گرومیت روزولت برای اجرای کودتا به ایران می‌آید آغاز می‌شود و در چند پرده تا زمان فوت دکتر مصدق ادامه پیدا می‌کند. ماجرای رفتارندوم، بیماری خدیجه، دختر کوچک دکتر مصدق و مقدمات برگزاری کودتا و دادگاه دکتر مصدق پرده‌های مختلف این نمایش است.

محمد مصدق همان‌طور که از نام اثر برمی‌آید، شخصیت اصلی این روایت تاریخی است، اما اصغر خلیلی در مقام نویسنده و کارگردان سعی کرده است که در همین روایت، شخصیت‌ها را مانند وقایع تاریخی دست‌چین کند و شخصیت‌هایی که در روند درامش مؤثر بودند را به صحنه بیاورد. به نظر می‌رسد که او قصد داشته شخصیت دیگری دست‌چین‌شده‌اش در حاشیه باقی شخصیت‌ها قرار نگیرند؛ اتفاقی که باعث شده است این روایت، روایتی یک‌سویه و ناقص و شاید کمی هسسو با روایت رسمی و نقطه‌ضعف مهم کار باشد. دراین‌میان دکتر مصدق به‌عنوان کلیدی‌ترین چهره این ماجرا در مرکز قرار می‌گیرد و قرار نیست شخصیت دیگری او را تحت‌تأثیر قرار دهد؛ هرچند که انتخاب فرهاد آتیش برای بازی در این نقش احتیاجی به تحت‌تأثیر قرارگرفتن نداشته است و یک‌تنه همه نقش‌ها را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. آنچه از مصدق روی صحنه دیده می‌شود، با وجود ضعف‌هایی که در پرداخت تاریخی و درام دارد، در مرکز صحنه قرار می‌گیرد، البته در مقابل او، شخصیت کرومیت روزولت با بازی ایرج راد قرار می‌گیرد که هرچند با هم مقابله ندارند، اما به‌عنوان دو سر منفي و مثبت این روایت قرار می‌گیرند.

برویز براتی: از هجوم و ازدحام خبری نیست، نه اینکه کسی نیست، هیاهو و ازدحام را فرصتی نیست، چهار هزار نفر برای شنیدن صدای شهرام و حافظ نظری و هنرنمایی «آن هشت خواننده و نوازنده»، محوطه باز برج میلاد را طسی می‌کنند. از دل غرفه‌های «جشنواره سفره ایرانی» می‌گذرند؛ از میان رایحه‌درمانی، عسل‌درمانی، گیاه‌درمانی، دمنوش، سردنوش، گیاهان ارگانیک و حجامت. با آسمان پرستاره و هوای خنک و فرصت «خاطره‌بازی»، پشت همان غرفه‌ها خداحافظی می‌کنند و وارد محوطه اجرای کنسرت می‌شوند. می‌وزد از سر امید، نسیمی. دکور صحنه، دعوتشان می‌کند به فضای کپکشان‌ی. سازها کوک می‌شود و ویولا در دست «امین غفاری» زمزمه می‌کند. بعد هم نوبت می‌رسد به ویلنسل «سالار غفاریجویی» و نجوای عود «بابک غسالی». حالانوبت شوالیه آواز ایران است. لب به آواز می‌گشاید: «من که حیران ملاقات توام/ نقش

و اندیشه من از دم توست/ گویی الفاظ و عبارات توام/ که خیالی ز خیالات توام…» در کسری از ثانیه، کنسرتی می‌بینیم با تنظیمات تازه و سازبندی غرب- یک ویلن، یک ویولا و یک ویلنسل، گروه کر و دو نوازنده سازهای کوبه‌ای و دف. کنسرت با فصل یک آلبوم «ناگفته» شروع می‌شود و در ادامه «مرا می‌بینی و هر دم زیادت می‌کنی دردم؛ شعر خواجه شیراز: قطعه‌ای آویگونی که اوج هنرنمایی حافظ نظری خواننده، در کنسرت ناگفته است. بعد از آن نوبت به ویلن و ویولا می‌رسد تا قطعه‌ای از «مندلسون» را بنوازند؛ تا شهرام نظری «آتش در نیستان» را با تنظیمی تازه بخواند؛ تا به تماشاکر فرصت فراموشی دهد؛ فراموشی «توربست‌بودن» و در هنر و از لایه‌های بیرونی واقعیت به ساختار زیرین آن رسیدن؛ سلسله‌مراتب نظم موسیقی را تاتابنیابورن و از رازورزی مضاعف مناسبات مافیای موسیقی در ایران گذردن. نظری پدر، بعد از اجرای بخش دوم، در پاسخ به میل تماشاکران برای متوسظنبودن، قطعه «اندک اندک» را برای حاضران می‌خواند: «دلنوازان، نازنانان در راندند/ کلنذران از گلستان می‌رسند» هم‌زمان، صدای دف با نوای شهرام نظری همراه می‌شود. به زعم او، سکوت مخاطبان موقع اجرای قطعات، مثال‌زدنی است و لاجرم مستحق «جایزه». بخش پنجم کنسرت، شامل اجرای فصل چهارم آلبوم ناگفته با نام «بازگشت جادوآنگی» است. شهرام نظری قبل از شروع مثنوی خوانی که به صورت بداهه اجرا شد، می‌گوید: تا امروز هنرمندان بسیاری «نی‌نامه» را با ذهن و خلاقیت خود برای علاقه‌مندان موسیقی اجرا کرده‌اند، ما هم امشب این بخش را با حس خود برای

شرق: نمایش راپورت‌های شبانه دکتر مصدق تمدید شده است تا علاقه‌مندان بتوانند هم‌زمان با ۶۳سالگی کودتای ۲۸ مرداد این اثر نمایشی را بر صحنه تالار وحدت به تماشا بنشینند.

محمدرضا منصوری، موسیقی‌دان جوان که تهیه‌کنندگی این نمایش را برعهده دارد، با اعلام این خبر گفته است: «وورد من به این نمایش به‌عنوان خواننده بود، از روز اول در متن نمایش‌نامه، دو موسیقی از همان دوران سال ۱۳۳۲ تعریف شده بود که به پیشنهاد کارگردان قرار بود من بخوانم؛ در فرایند مقدمات نمایش بودیم که گویا تهیه‌کننده‌ای که مقرر بود روی اثر سرمایه‌گذاری کند، از این کار شانه خالی کرد، کارگردان از من خواست اگر امکانش هست برای تهیه‌کنندگی قدم پیش بگذارم و کمک کنم این پروژه متولد شود، بدیهی است علاقه من موسیقی است و تنها دلیل اینکه چنین پیشنهاد و مسئولیت خطیری را پذیرفتم، به سبب علاقه‌ای بود که به این کار و این‌ گروه پیدا کردم. پا به این عرصه گذاشتم تا این نمایش فاخر دوباره بزرگی که صنعت نفت ایران را ملی کرد و سنک

بنای استقلال ایرانی را بنیان نهاد روی صحنه بیاید، خوشحالم در روزگار ۶۳ سالگی آن کودتای شوم، یاد مصدق را زنده می‌کنیم.»

فرهاد آتیش که این روزها در نقش مصدق

می‌درخشد و آن زیر پیرمرد را با آن عصا و بارانی بلند و عینک به‌خوبی نداعی می‌کند، می‌گوید اگر تهیه‌کننده خصوصی به نگاه فرهنگی بود، حال بود چنین نمایشی با ۶۲ بازیگر روی صحنه بیاید. مثلا از آقای منصوری خواستم با وجود هزینه سنگینی که متقبل شده، برای گریسم مصدق کار حرفه‌ای شود که در پروژه‌های سینمایی معمول است؛ او هم پذیرفت، همین گریم در باورپذیرترشد نقش به مخاطب نقش مهمی ایفا می‌کند.

نمایش «راپورت‌های شبانه دکتر مصدق» در پی تمدید، از یکشنبه تا جمعه (۲۴ تا ۲۹ مرداد) هرروز ساعت ۱۸ در تالار وحدت، شش اجرای

پایانی خود را به صحنه خواهد برد. در این نمایش علاوه بر آتیش، ۶۲ بازیگر مانند ایرج راد، نرگس محمدی، خسرو احمدی، رضا بهبودی و… ایفای نقش می‌کنند.

۶ اجرا؛ ۲۴ هزار تماشاگر در کنسرت «ناگفته»

فصل نوی «ناظری‌ها»



شما اجرا می‌کنیم. حافظ نظری قبل از آغاز بخش آخر این کنسرت با نام «عدم» می‌گوید: «اجرای امشب شبیه هیچ‌کدام از اجراهایی که تا امروز شنیده‌اید نبود و این در دورانی که همه‌چیز به تکرار رسیده، قابل‌توجه است.» نظری جوان بعد از کنسرت می‌گفت برای پاسخ‌دادن به احساس هوادارانش وامضای سی‌دی، شب‌های کنسرت تا سه صبح آنجا می‌ماند. همین‌ها و البته فشارهای روزهای اول کنسرت از جمله آوردن سه‌هزارو ۵۰ صندلی از شیراز موجب بیماری و تبش شده ولی او با تب ۴۰ درجه روی صحنه حاضر شده؛ چون «برای مخاطبی که این‌طور خالصانه به کنسرت می‌آید، باید ارزش قائل شد.» اما چه چیزی فصل نوی کنسرت «ناگفته» را از اجراهای قبل و بی‌شمار اجرای موسیقی متمایز کرد؟

کنسرت ناگفته این تر را که فرهنگ موسیقی شرقی و غربی جمع اصداد هستند و لاجرم جمع‌ناشدنی وزیر یک سقف نارفتنی، زیر سؤال بُرد و به هم‌نشینی موسیقی مونوفونیک و نسبتاً ساده شرقی با موسیقی پلی‌فونیک غربی رضایت داد؛ رضایتی نه از سر اجبار و اگراره و تسلیم که از روی رغبت و شناخت و دانایی. ترکیب سازهای زهی غربی با گروه کر و سازهای شرقی در کنار تحریرهایی که ریشه در آواز «طاهرزاده» دارد. کنسرتی را مقابل چشم‌ان تماشاگر قرار داد که به تعبیر نظری‌ها، تلاقی‌گاه چهار فرهنگ سنتی، کلاسیک، کلاسیک اپرا و ملی بود. ویلن و دیگر سازهای زهی که در تجربه‌های پیشین موسیقی تلفیقی اغلب به‌عنوان «یک‌گراند» استفاده می‌شود، در این کنسرت به‌عنوان ساز سولیست حضور داشت. انگار سازهای زهی کنسرت، «کنجرتو»

آشپانه‌ای کن) یک اتفاق در هارمونی است. گروه‌گر و سازهای زهی در این بخش دست به نوآوری زیبایی می‌زنند. مهارت و سرعت و خلاقیت بالای نوازنده سازهای کوبه‌ای (فرهاد صفری) حتی شهرام نظری را به وجد آورد و تبسم را بر لبان این خواننده نشاناد. ناگفته در حالی برای روز ششم با ۲۴ هزار تماشاگر در یک کنسرت تعدیم شد که این روزها، شاهد تخفیف‌های ۵۰ تا ۷۰درصدی برخی کنسرت‌های پاپ هستیم؛ به‌این‌ترتیب، دورانی که کنسرت‌ها با رکود مواجه شده‌اند، یک کنسرت بدون داشتن آتنگ عام و مردمی به رکورد ۲۴ هزار نفر تماشاگر می‌رسد و یک بار دیگر برای اجرا در «شهریور ۹۵» تعدیم می‌شود. در فریزیک، ۹۷ درصد کاناتا و جهان آفرینش، سیاهی است و تنها سه درصد از کپکشان‌ها و سیاره‌ها خلا است. نور که از سیاهی می‌شود، تغییر جهت می‌دهد و نوسان می‌یابد. این ماده سیاه، درونش چیزی پنهان است که آن را «اتم» می‌خوانیم. یکی از مشخصه‌های کنسرت ناگفته آن بود که تمام بخش‌ها با آتنگ «عدم» به پایان می‌رسد. حافظ نظری، برای بازنمایی این عدم و نمایش تاریکی و روشنی، معکب‌هایی را پشت صحنه تعبیه کرده بود. معکب، بُعد دارد و نمادی از عدم است و حالتش، مثل هسته اتم که دورش الکترون‌ها قرار دارند. حافظ با به‌کاربردن افکت‌های نوری، این تضاد تاریکی و نور را نمایش داد. ۱۲ پروژکتور پشت صحنه کار گذاشته بود که نور را به بالا ساطع می‌کردند. پروتهای نور بالای صحنه با هم تلاقی پیدا می‌کردند. ناگفته، اولین کنسرت در فضای باز نیست؛ آرتیشتان هم نخواهد بود؛ اما به گواه حافظ، اولین کنسرت در ایران است که برای بخش‌های مختلف آن طراحی (Design) صورت گرفته. آوردن چهار هزار صندلی مخصوص کنسرت در فضای باز از شب دوازدهم صندلی‌های نامناسب قبلی با صندلی‌های جدیدی که از شیراز آورده شده بود، عوض شد، طرحی، صحنه، نور و دیگر اجزا، از ویژگی‌های مهم این اجرا بود.

پایان ناگفته، در «چرخه‌ای هگلی»، بازگشتی بود به نقطه آغاز کنسرت؛ بداهه‌خوانی بی‌نظیر در «نی‌نامه» و هارمونی اتساق در قطعه «عدم». گروه کر و سازهای زهی از نظر هارمونی و دو خواننده منسوب به موسیقی سنتی (شهرام و حافظ نظری) از نظر هم‌نشینی در نگاه متضاد، از زمان خود جلوتر بودند. این بازگشت به آغاز، ما را وامی‌دارد از منظرى تازه‌تر به سراسر کنسرت نگاه کنیم. راز تعدیم دوباره و چندباره این کنسرت، همین است.

کامکارها در حضور فرهادی و بنی‌اعتماد نواختند

اجرا کردند. نخستین برنامه از ۹ شب موسیقی بارانا با استقبال خوبی مواجه شد و با اینکه نیم‌ساعت از شروع کنسرت گذشته بود، همچنان بسیاری وارد محوطه برگزاری مراسم می‌شدند و در حین اجرا به دنبال شماره صندلی خود می‌گشتند. درحالی‌که روی بلیت‌های صادرشده تاکید شده بود «درهای سالن با آغاز برنامه بسته خواهد شد». همچنین با اینکه در بلیت‌ها قید شده بود «این برنامه میزبان کودکان بیش از هفت سال است»، اما بسیاری از خانواده‌ها با کودکان زیر هفت سال خود برای دیدن اجرا آمده بودند. اصغر فرهادی، رخشان بنی‌اعتماد، شمس‌لنگرودی، هومن بنور نورد، مینرا حجار و شقایق دهقان از جمله مهمانان اجرای کامکارها بودند. «شب‌های موسیقی بارانا» که از شب پنجشنبه ۲۱ مرداد در کاخ نیاوران شروع شده، تا ۲۹ مردادماه ادامه دارد. بر اساس اعلام برگزارکنندگان، پنج درصد از فروش بلیت‌های این برنامه به کودکان مبتلا به سرطان تحت حمایت محک و همچنین درصدی دیگر از فروش برای حمایت از موسیقی‌دانان در حوزه سلامت و رفاه در نظر گرفته شده است.

مسافرِ دیارِ خوبان

که ما را به بیداری وجدان (خانه دوست کجاست) دعوت می‌کرد. چرا نامی جهانی را با چنان برخوردی، به پاشنه‌آشیل جامعه‌ای ایران امروز تبدیل کردند. کارگردان، نقاش، شاعر، عکاس و فیلم‌نامه‌نویس بی‌هتای ما، حتی نخواست از رانت شهرت و محبوبیت خود استفاده کند، پزشک و پزشکانی که رفتن به تعطیلات برایش مهتر بود، جان و جسم ما را دست به دست کرده تا به مرگ رساند. کیارستمی همه عمر علیه جهل مبارزه کرد، اما سرانجام جهل علم، او را از ما گرفت. او صاحب اخلاق بود که قربانی یک سلفیدپوش شد، اما همه را سیاه‌پوش کرد.کیارستمی از سال ۱۳۴۸ از امروز بیش از چهل فیلم به کپکشان هنر و اندیشه بشری افزود، همه صاحب مفاهیمی انسانی، فلسفی و اجتماعی: کلوزاپ، طعم گیلاس، و باد ما را با خود خواهد برد، کی برابر اصل، شاهکارهای تاریخ سینمای جهان به شمار می‌روند. او خواب‌گزار زندگی شیرین و ساده مردم ما بود. جان آزاده او را در غربت فراموش نمی‌کنیم و از مسئولان ذی‌ربط انتظار داریم که در روشن‌شدن پرونده پزشکی این نابغه بشری، همت گمارند. او اگرچه با درد از این جهان بگذشت، اما برای اندیشه جهانی آزاده بود. او به خوابی بی‌بازگشت فرو رفته، اما… خواب او سرمشق هر شب ماست. و ما همچنان خواب او را خواهیم دید. خواب‌های ما ادامه و تداوم صداقت او، قصه‌های ساده او، و جهان پر حکمت اوست. خواب لاله و سوسن، عطر یاسمن و شب‌بو، رنگس یاد او را جادوانه خواهد کرد. تا زندگی هست، با باید به رسم و مراسم و گفت: زندگی… و دیگر هیچ! کیارستمی بزرگ، رد این رویاها را به ما نشان داد و رفت؛ بخیر باد او که فرزند سربلند این آب و خاک بود، هست و خواهد بود. دریاها اما تا ابد، دریاها مسافرِ دیارِ خوبان!

زیر آسمان فیروزهای

«فرهنگ شریف» دوباره بستری شد



● فرهنگ شریف، نوازنده و مدرس پیش‌کسوت موسیقی ایرانی، به دلیل عفونت شدید در ناحیه ریه، بار دیگر در بیمارستان بستری شد. منصوره رضایی، همسر استاد فرهنگ شریف، در گفت‌وگو با مهر توضیح داد: در روزهای گذشته، استاد شریف از ناحیه با دچار مشکل شد و ما نیز وی را به نزدیک‌ترین بیمارستان رساندیم و پس از اینکه در بیمارستان شهادی تجریش مورد جراحی قرار گرفت، دو روز را در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری بود، اما متأسفانه به دلیل عفونت شدید که وارد خونش شده بود، مجبور شدیم او را از بیمارستان شهادی تجریش به بیمارستان عرفان منتقل کنیم. همسر این استاد موسیقی با بیان اینکه یکی از ریه‌های این استاد موسیقی از کار افتاده و همچنین به‌دلیل لخته‌شدن خون در پایش، مجبور به عمل جراحی شد، اظهار کرد: متأسفانه هم‌اکنون به دلیل ازکارافتادگی یکی از ریه‌های همسر، پزشکان ناچارند از دستگاه و واردکردن چند لوله از حلق برای بهبود اوضاع اقدام کنند که اگر مکانیسم بدن بتواند دربرابر فشار این دستگاه‌ها و ضعفی که بدن دارد، مقاومت نشان دهد، احتمال بهبود اوضاع بسیار زیاد است. با توجه به ضعف جسمانی شدیدی که در ماه‌های اخیر به وجود آمده، می‌توان گفت این مقاومت یک جنگ تمام‌عیار است که امیدوارم منتهی به بهبودی کامل شود. رضایی در پایان، از هنرمندان و اهالی رسانه که در روزهای اخیر جوایب احوال استاد فرهنگ شریف بودند قدردانی کرد. فرهنگ شریف از نوازندگان سرشناس و برجسته و صاحبسبک تار است که در سال ۱۳۲۱ در شهر آمل به دنیا آمد و از نوازندگان برتر نیم‌قرن اخیر ایران محسوب می‌شود.

علی رهبری رهبر ارکستر «دیوان» شد

● **شرق:** دنیل برن بویم رهبر مشهور ارکستر سمفونیک برلین از علی رهبری، برای رهبری ارکستر سمفونیک شرق و غرب دیوان دعوت کرد. این دو موسیقی‌دان که پیش‌تر (در سال‌هایی که علی رهبری دستیار هریت فنون گرایان رهبر مشهور آلمان در ارکستر سمفونیک برلین بود) با هم آشنایی داشتند؛ در حاشیه فستیوال مشهور زالسبورگ در جلسه‌ای مشترک، توافق کردند رهبری، ارکستر شرق و غرب دیوان را رهبری کند. ارکستر دیوان که اکثریت نوازندگان آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند به اینکار برن بویم از روی علاقه به مردم فلسطین تشکیل شده و اکنون جز، یکی از مشهورترین ارکسترهای دنیاست و از نوازندگان چیره‌دست ایرانی هم در این ارکستر استفاده می‌شود. امسال این ارکستر را هفت نوازنده منتخب ایرانی همراه با بردیا کیارس کنسرت مایستر و رهبر سابق ارکستر سمفونیک تهران همراهی می‌کنند.

فروش ۲۲۰میلیونی «صد اثّر، صد هنرمند»

● بیست‌وچهارمین دوره «صد اثر، صد هنرمند» در حالی به استقبال آخرین جمعه خود می‌رود که تا‌به‌حال ۷۶ اثر را در مجموع ۲۲۰ میلیون تومان به فروش رسانده است. مدیر این کالری از علاقه‌مندان دعوت کرد تا در روزهای پایانی این رویداد برای دیدار و حتی دیدار دوباره به گالری بایبند، چون کارهای تازاری جایگزین آثار به‌فروش رسیده شده‌اند. از میان ۷۶ اثر فروخته‌شده هفت مجسمه و بقیه نقاشی هستند؛ گران‌ترین آثار فروخته‌شده تا این لحظه به سیدمحمد احصایی با ۳۰ میلیون تومان و مسعود عربشاهی با ۲۸ میلیون تومان اختصاص دارد. اثر ۲۰۰ هزار تومانی فروخته‌شده در این نمایشگاه نیز ارزان‌ترین فروش این دوره است. از نظر تعداد اثر به‌فروش‌رسیده از یک هنرمند هم ندا معین‌افشاری با فروش پنج اثر در صدر ایستاده است. لیلی گلستان - مدیر گالری - فروش خوب جوانان و اقبالی را که خریداران به هنرمندان شهرستانی نشان می‌دهند، دو مؤلفه شاخص این دوره «صد اثر، صد هنرمند» دانست. این نمایشگاه ۲۲۰ نقاشی و مجسمه از ۱۹۵ هنرمند را از صد تار تا ۲۵۰ میلیون تومان برای تماشا و فروش گذاشته است که در این میان، آثاری از سهراب سپهری، آیدین آغداشلو، منیر فرمانفرمایان، فریده لاشایی، ناصر اویسی، هوشنگ پزنش‌نیا، سیراک ملکونیان، حسین محب‌ی، بهرام دبیری، غلام شباهنگی، رضا باغبان، منش اسماعیل، عبدی اسبقی، بهمن نیگو و… از جوان‌تراهن نیز شهره غازی و… دیده می‌شود. به رسم این رویداد، آثار فروخته‌شده از روی دیوار برداشته می‌شود و اثری دیگر از همان هنرمند روی دیوار می‌رود. به این ترتیب، مخاطبان هر چندروز یک‌بار، یک نمایشگاه تازه را می‌بینند. بیست‌وچهارمین دوره، «صد اثر، صد هنرمند» تا ۲۷ مرداد در گالری «گلستان» به نشانی دروس، خیابان کمپانی، شماره ۳۴ برپا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند هر روز (به‌جز پنجشنبه‌ها) از ساعت ۱۶ تا ۲۰ این نمایشگاه دیدن کنند.